



عوامل خوش بختی در خانواده

{خانواده و تربیت}

از نظر قرآن و روایات

اسماعیل اخلاقی

چکیده

نهاد خانواده، یکی از اساسی ترین ارکان جامعه‌ی بشری و بستر فرهنگ‌های گوناگون و زمینه‌ساز خوش بختی و یا بدبختی انسان‌ها و ملت‌هاست. دین اسلام نیز - هدفش که برنامه‌ی سعادت و تکامل بشر است - عنایت و ویژه‌ای به سلامت، رشد و پویایی این نهاد سرنوشت‌ساز دارد زیرا خانواده نهادی است که بر پایه‌ی ازدواج مرد و زن، شکل می‌گیرد و با تولید مثل، توسعه می‌یابد. این نهاد، اساس زندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل جامعه است، از این رو اسلام برای تاسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت‌ساز و پیش‌گیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی عرضه کرده است. تامل در این رهنمودها و مقایسه‌ی آنها با آنچه در سایر مکاتب درباره‌ی خانواده دیده می‌شود، به روشنی نشان می‌دهد که این مکتب ریشه در وحی الهی دارد و منطبق با فطرت انسانی است و برای صیانت خانواده و پیش‌گیری از فروپاشی آن، راهی جز عمل به رهنمودهای این آیین الهی نیست. ما در این مقاله به چند مورد از این عوامل از منظر قرآن و روایات می‌پردازیم.

کلیدواژگان: قرآن، روایات، عوامل، خوش بختی و خانواده.



خوش بختی در خانواده چیزی است که می توان با طرز کردار و گفتار، آن را تامین کرد زیرا خوش بختی و سعادت خرید و فروش نمی شود و گرنه فقرا هرگز شیرینی زندگی را نمی چشیدند. این طور نیست که هر گاه ثروت وجود داشته باشد، خوش بختی خود به خود از راه برسد.

مقدمه

خوش بختی در خانواده چیزی است که می توان با طرز کردار و گفتار، آن را تامین کرد زیرا خوش بختی و سعادت خرید و فروش نمی شود و گرنه فقرا هرگز شیرینی زندگی را نمی چشیدند. این طور نیست که هر گاه ثروت وجود داشته باشد، خوش بختی خود به خود از راه برسد. البته اگر بقیه ی عوامل خوش بختی جمع باشد ثروت چیزی بسیار خوب خواهد بود. به اصطلاح، ثروت برای خوش بختی علت تامه نیست تا خوش بختی ملزوم آن باشد. «بدون تردید، کانون گرم خانواده و صفای آن، با پول، شهرت و ... ارتباط مستقیم ندارد با محبت کردن به بک دیگر و با خودباری می توانند چنان صفا و ایمانی در دلها به وجود آورند که خوراها پول و ثروت جای آن را نگیرد.»^۱ (البته معنای این گفته ها تشویق به فقر نیست.)

وقتی رضایت از زندگی را خوش بختی بدانیم دیگر برای سعادت مند شدن به دنبال پول و ثروت نخواهیم بود. چه بسا خانواده های فقیری که در اوج رضایت و خوش بختی به سر می برند و با همه ی ناداری های شان احساس خوش بختی می کنند، همان گونه که گفته اند: «سعادت و خوش بختی، ممکن است به انسان روی آورد. در خانه ی محقر و کوچک هم سعادت را می توان به دست آورد، بدون آن که شریک زندگی انسان، شخصی کاملاً بی عیب و زیبا باشد.»^۲

همه چیز به چگونه نگرستن برمی گردد. گاهی داشتن ثروت و مادیات باعث اختلاف و بدبختی می شود، چنان که ویلیام جیمز در این باره می گوید: «آه اگر همه ی بشر هم داستان شده، به

این پیشیز ناچیز آن قدرها اهمیت نمی دادند، چه هماهنگی لذت بخشی در دنیا حکم فرما می شد. اگر علاقه به پول و افتخارات این دنیایی از روی زمین برانداخته می شد چه قدر مردم با هم دوستانه زندگی می کردند؛ به نظر من این امر، درمان همه ی دردهاست.»^۳

عوامل خوش بختی

«کسی که درصدد ساختن خانه ای است، قبل از ساختن، مقدمات آن را فراهم می سازد؛ زمین می خرد، مصالح آماده می کند و طرح می ریزد تا خانه ی آینده اش کاملاً مطلوب و بی عیب باشد. در زندگی نیز باید از قبل، در انتخاب اعضای خانواده و چگونه ساختن زندگی آینده بسیار دقت کرد؛ اینها از مهم ترین مسائلی است که سلامت و پای داری زندگی را تامین کرده و خوش بختی را به ارمغان می آورد.

در این بخش، برخی ملاک ها برای شروع زندگی خوب، آورده شده است:

۱. دقت در انتخاب همسر

اولین عامل خوش بختی در خانواده، دقت در انتخاب همسر است؛ زیرا ازدواج یک امر بسیار مهم و سرنوشت ساز است که کامیابی یا شکست در آن، در زندگی آینده تاثیر به سزایی دارد. همسر خوب و موافق، زندگی را قرین آرامش و آسایش می کند و زمینه را برای پرورش استعداد های درونی و سعادت و خوش بختی فراهم می سازد. برعکس، شکست در ازدواج موجب یاس و دل سردی می شود و استعدادهای درونی را از حرکت و تکامل باز می دارد.

با طلاق و جدایی هم نمی توان مشکل را حل کرد زیرا امری است دشوار و ده ها مشکل به

همراه دارد. بنابراین بر جوانان لازم است که قبل از ازدواج کمال دقت و عاقبت اندیشی را انجام دهند و سعی کنند همسری خوب و موافق بیابند. در همین زمینه امام صادق (ع) می فرماید: «زن به منزله ی گردن بندی است که بر گردن می افکند پس مراقب باش که چه چیزی را بر گردن می افکنی؛ و برای زن نمی توان قیمتی را تعیین کرد، چه خوب و چه بد اما ارزش زن های نیک را با طلا و نقره نمی شود تعیین کرد زیرا آن ها از طلا و نقره ارزش مند ترند و اما بدان آن ها ارزش خاک را هم ندارند، زیرا که خاک از آن ها بهتر است.»^۴

ابراهیم می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: «همسر من فوت شده. او همسر خوب و سازگاری بود. اکنون قصد دارم مجدداً ازدواج کنم. فرمود: «خوب دقت کن که خودت را در کجا می نهی و چه کسی را در مالت شریک می گردانی و بر دین و اسرار ت آگاه می سازی.»^۵

امام رضا (ع) می فرماید: «به بنده ی خدا فایده ای بهتر از همسر خوب نمی رسد که وقتی او را می بیند خشنودت سازد و در غیاب او از نفس خودش و مال شوهرش حفاظت کند.»^۶

از این روایات به خوبی فهمیده می شود که یکی از عوامل خوش بختی در خانواده دقت در انتخاب همسر است زیرا انتخاب همسر مانند لباس خریدن، موقتی نیست. تو می خواهی یک عمر با او زندگی کنی و او را محرم راز خود قرار دهی، ممکن است در اثر عجله و عدم دقت کافی، ناچار شوی عمری را با ناراحتی و گرفتاری بگذرانی.

۲. ایمان و دین داری

ایمان و دین داری یکی از عوامل بسیار مهم و اساس خوش بختی در خانواده به حساب می آید.



از روایات برمی آید که زن و شوهر بدون تفاهم اخلاقی نمی توانند مشکلات زندگی را حل و فصل کنند. زندگی با همسر بد اخلاق و بد رفتار و ... رنج آور است و انسان هر روز آرزوی مرگ می کند زیرا دیدن حالات و رفتار و مشاهده ی گفتارهای بد او، از تحمل هر انسان صبور و شکیبایی خارج است. بنابراین، شرط اساسی زندگی سالم، صمیمی، بانشاط و باصفا، داشتن همسری خوش اخلاق و عقیف و نیک گفتار است.



در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) نیز به آن تاکید شده است. قرآن کریم در همین زمینه می فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَهْمَهُ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا أُعْجِبُكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ»^۷ با زنان مشرک تا زمانی که ایمان نیاورده اند ازدواج نکنید، اگر چه به خاطر مال یا جمال و مقام (موقعیت) شما را به شگفتی آورند و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده اند در نیاورید اگر چه (مال و زیبایی و موقعیت) آنان شما را به شگفتی آورند؛ زیرا آنها شما را به سوی آتش دعوت می کنند و خداوند شما را به بهشت و آمرزش دعوت می نماید».

همچنین رسول خدا (ص) می فرماید: «هر کس با زنی برای مالش ازدواج کند خدا او را به همین امر واگذار می نماید و هر کس که برای جمالش ازدواج کند به چیزی می رسد که از آن کراهت دارد و هر کسی که برای دین داری ازدواج کند خداوند هر سه را برایش جمع می کند»^۸ و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «اگر مرد با زنی برای جمال یا مال ازدواج کند به همین امر واگذار می شود ولی اگر برای دین دار بودن او ازدواج کند خدا مال و جمال را نیز نصیبش می گرداند»^۹ البته اسلام مخالف زیبایی و ثروت نیست، اما اگر امر دایر باشد بین دین دار و زیبا و یا دین دار و ثروت مند، دین دار مقدم است زیرا زن دین دار مایه ی سعادت و خوش بختی انسان است. رسول خدا (ص) می فرماید: «از سعادت و خوش بختی مرد آن است که زن صالح و پاک دامن داشته باشد»^{۱۰}

آن چه که از این آیه و روایت استفاده می شود، این است که انسان هوشیار هیچ گاه به آراستگی زنان نگاه نمی کند و به جمال آنان فریب نمی خورد، بلکه به ذاتیات و تدین وی می اندیشد.

۳. عقل و هوش

عقل و زیرکی، یکی دیگر از عوامل خوش بختی در خانواده محسوب می شود. اداره و تداوم و پیمودن راه راست و حل مشکلات زندگی کار ساده ای نیست. اگر دو همسر با هم تفاهم داشته باشند و موقعیت یک دیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند می توانند زندگی را

بر پایه ی صحیحی استوار سازند و به انجام وظیفه مشغول باشند و به کانون خانواده، صفا و محبت و گرمی دهند و با عقل و درایت مشکلات را حل و فصل نمایند. همسر عاقل، امکانات خانواده و شرایط و اوضاع زندگی را خوب درک می کند و با توقعات بی جا و بلند پروازی همسرش را در فشار قرار نمی دهد. اکثر اختلافات خانواده و کشمکش های زندگی، معلول جهالت و نادانی زن و شوهر یا یکی از آنها است. زوجین هر چه عاقل تر باشند بهتر می توانند همسر داری کنند و وسیله ی آسایش و خوشی همدیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی سازد.^{۱۱} عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تاثیر دارد. فرزندان خانواده ی خوش فهم و باهوش، غالباً زیرک می شوند و برعکس، حماقت و نادانی پدر و مادر نیز معمولاً به فرزند منتقل می شود همسر باهوش و عاقل بهتر می تواند در تعلیم و تربیت فرزندان انجام وظیفه نماید. عقل و درایت یکی از عوامل بارز خوش بختی محسوب می شود که به هنگام گزینش همسر باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد. در همین زمینه امام علی (ع) می فرماید: «با انسان احمق و نفهم ازدواج نکنید زیرا معاشرت با او بلایی است عظیم و فرزندان نیز ضایع خواهند شد»^{۱۲}

همچنین امام صادق (ع) می فرماید: «عقل، دلیل و راهنمای مومن است»^{۱۳}

۴. تفاهم اخلاقی

چهارمین عامل خوش بختی در خانواده تفاهم اخلاقی است چون زن و شوهر باید یک عمر با هم زندگی کنند. اگر خوش اخلاق باشند زندگی آنها شیرین و دل پذیر و گرم و باصفا خواهد بود و با تفاهم اخلاقی مشکلات زندگی را حل و فصل خواهند کرد و برعکس اگر هر دو یا یکی از آنها بد اخلاق باشند زندگی بر هر دو نفر سخت و دشوار خواهد شد و چیزی نمی تواند تلخی آن را شیرین سازد. اخلاق نیک یکی از بهترین عوامل خوش بختی محسوب می شود که شامل راست گویی، امانت داری، خوش اخلاقی، خوش زبانی، خیر خواهی، پاکیزگی، بادبی، گذشت، بردباری، وظیفه شناسی، نجابت، عفت، کم توقعی، نرم خوئی، رعایت اقتصاد در زندگی،

همسر مشروعهش قرار دهد.

۶. اهداف مشترک

یکی دیگر از عوامل خوش‌بختی در خانواده، اهداف مشترک محسوب می‌شود. هر چه مشترکات میان افراد، افزایش یابد به همان مقدار امکان توافق، بیشتر می‌شود. وقتی دو انسان، علاقه‌ها و مشترکات فراوان دارند، امکان بیشتری برای همزیستی سالم دارند. در پیمودن راه زندگی باید بر مشترکات طرفینی افزود و از زمینه‌های اختلاف کاست. به گفته‌ی مولوی مشترکات، زاغ و لک‌لک را نیز سازگار می‌نماید:

آن حکیمی گفت: دیدم هم تکی در بیابان زاغ را بالک لکی

در عجب ماندم بجستم حالشان

تا چه قدر مشترک یابم نشان

چون شدم نزدیک، من حیران و دنگ

خود بدیدم هر دو ان بودند لنگ^{۲۱}

البته این مسئله، راهم تجربه‌ی اثبات می‌کند، هم عقل و هم روان‌شناسی، چنان که یکی از روان‌شناسان می‌نویسد: «روشن است که بسیاری از الگوهای روابط زناشویی می‌توانند عمل‌کرد رضایت‌بخش داشته باشند. عناصر مشترک زیر احتمالاً در این الگوها دیده می‌شود:

۱. احترام متقابل: زن یا شوهر در همسر خود توانایی یا ویژگی مهمی را می‌بیند که از نظرش قابل احترام است.
 ۲. شکیبایی: توانایی زن و شوهر در پذیرش کم‌بودهای یکدیگر.
 ۳. توانایی توافق بر سر هدف‌های مشترک و پیش‌برد آن‌ها.^{۲۲}
- روان‌شناس دیگری می‌گوید: «بهترین حالت هنگامی است که دو همسر در خدمت یک آرمان یگانه چون هنر، عدالت اجتماعی یا خدا به هم پیوسته باشند.^{۲۳}»

بنابراین، وقتی که می‌خواهیم هم‌سفر یا همسر را انتخاب کنیم، باید کسی را برگزینیم که با ما در یک مسیر و به سوی هدف مشترک در حرکت بوده و به ارزش‌های مورد پسندمان پای‌بند باشد، چون ارزش‌های مشترک بین دو انسان الفت و صمیمیت ایجاد می‌کند ولی کدامین هدف مشترک، بالاتر از ارزش‌های شرعی و دینی است؟

۷. عمل صالح

از مهم‌ترین عوامل خوش‌بختی انسان در دنیا و

در نمی‌آورد و این کار بر مومنان حرام شده است.» همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید: «خداوند متعال می‌فرماید: «وقتی اراده کنم که خیر دنیا و آخرت را برای یک مسلمان جمع کنم، قلبی خاشع و زبانی ذاکر و تنی صابر بر بلا به او عطا می‌کنم و همسری به او می‌دهم که از نگاه کردن به وی شادمان شود و آن زن در غیاب شوهر از نفس خود و مال [دارایی] شوهرش نگهداری کند.»^{۱۸}

همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «کفو بودن در این است که عقیف و پاک‌دامن باشد و از امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد.»^{۱۹} و نیز امام صادق (ص) در باره‌ی سعادت و خوش‌بختی انسان می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که مادرش عقیف و پاک‌دامن باشد.»^{۲۰}

این که در فرهنگ دینی و سفارش پیشوایان معصوم (ع) به پاکی و عفت مردان و زنان تاکید فراوان شده، برای آن است که اگر پدر و مادر بدرفتار و ناپاک باشند و توجه به دستورات شرعی نداشته باشند، در اخلاق و روش کودک اثر نامطلوبی برجای خواهد گذاشت و اغلب کودکان به خصوص دختران قدم‌جای قدم مادران می‌گذارند.

آن چه که از این آیه و روایات به خوبی می‌فهمیم، این است که زندگی زناشویی بر پایه‌ی انحصار و اعتماد برپا می‌شود. زن و شوهر قصد دارند تمام وجود یکدیگر را تصاحب نمایند و دیگری در این کانون راه نداشته باشد. مرد از همسرش انتظار دارد که چشم طمع از مردان بیگانه قطع کند و تمام وجودش را در انحصار او قرار دهد به مردان بیگانه نگاه نکند، محبت دیگری در دلش نباشد، زیبای‌هایش را در معرض دید دیگران قرار ندهد، با آن‌ها گرم‌نگیرد و شوخی و مزاح نکند و عقیف و پاک‌دامن باشد.

مرد به هنگام گزینش همسر، درصدد یافتن زن عقیف، باحیا و پاک‌دامن است که صد در صد مورد اعتماد باشد و این خواسته‌ی بسیار باارزش و مشروعی است زیرا زندگی با یک زن خیانت‌کار برای یک مرد غیور غیرقابل تحمل است. زن نیز به هنگام ازدواج درصدد یافتن شوهر عقیف و پاک‌دامنی است که صد در صد مورد اعتماد باشد، چشم‌چرانی نکند و دلش را از محبت زنان بیگانه خالی گرداند و تمام وجودش را در انحصار

شجاعت، ایثار و ... که برای هر انسان یک مزیت واقعی است.

برعکس این صفات، از نقاط نقص و ضعف انسان محسوب می‌شود مانند: تندخویی، خشم، دروغ‌گویی، خیانت، لجبازی، کینه‌توزی، حسادت، بدبینی، بی‌ادبی، پررویی، بدزبانی، ترسوئی، نفاق، پرتوقعی، بخل، کثیف بودن، ول‌خرجی و ... در همین زمینه، روایات فراوانی وارد شده است.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اگر کسی به عنوان خواستگاری به نزد شما آمد که خلق و دینش را می‌پسندید، با او ازدواج کنید و اگر به این دستور عمل نکنید فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد.»^{۲۴}

و نیز در روایات دیگر می‌فرماید: «دخترت را به ازدواج انسان متقی و پرهیزگار در آور زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد او را اکرام و احترام می‌کند و اگر نسبت به او بغض داشته باشد به او ظلم نمی‌کند.»^{۲۵}

«حسین بشار واسطی» می‌گوید: «به امام رضا (ع) نوشتم، یکی از خویشاوندان از دخترم خواستگاری کرده است اما بداخلاق است. امام فرمود: «اگر بداخلاق است دختر به او نده.»^{۱۶}

از روایات برمی‌آید که زن و شوهر بدون تفاهم اخلاقی نمی‌توانند مشکلات زندگی را حل و فصل کنند. زندگی با همسر بداخلاق و بدرفتار و ... رنج‌آور است و انسان هر روز آرزوی مرگ می‌کند زیرا دیدن حالات و رفتار و مشاهده‌ی گفتارهای بد او، از تحمل هر انسان صبور و شکیبایی خارج است. بنابراین، شرط اساسی زندگی سالم، صمیمی، بانشاط و باصفا، داشتن همسری خوش‌اخلاق و عقیف و نیک‌گفتار است.

۵. عفت و پاک‌دامنی

از جمله عوامل خوش‌بختی در خانواده عفت و پاک‌دامنی است. اگر ما به قرآن کریم و روایات معصومان دقت کنیم به خوبی می‌فهمیم که آنان بر عفت و پاک‌دامنی تاکید فراوان می‌کردند. قرآن شریف در همین زمینه می‌فرماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۷} مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود

آخرت عمل به احکام شرعی و دینی است و این مطلب را می توان از آیات قرآن کریم استخراج کرد. قرآن شریف خانواده‌ای را طراحی می کند که مکتب و معبدی است که اعضای آن مدارج بندگی را طی می کنند و به حیات طیبه راه می یابند. افراد در خانواده، علاوه بر تامین حقوق دنیوی خود مانند امنیت، آرامش، تغذیه، بهداشت مناسب، تحصیل علوم و عدالت اجتماعی و ... حقوق معنوی خود را نیز جست و جو می کنند. مرد و زن موظف به ایجاد شرایط مقتضی و رفع موانع برای دستیابی یکدیگر به این حقوق هستند.

در همین زمینه قرآن کریم می فرماید: «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^{۲۴} هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مومن است، او را به حیاتی پاک، زنده می داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند خواهیم داد». خداوند در این آیه، شرط رسیدن به حیات طیبه و دخول در بهشت و اجر اعمال را، ایمان و عمل صالح ذکر می کند و این دو، تنها در محیط خانواده کسب می شود.

دین اسلام هیچ گونه فرق میان زن و مرد در کسب حقوق معنوی نگذاشته است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»^{۲۵} (آری) هر کس در گرو اعمال خویش است.

و نیز در آیه دیگری می فرمایند: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^{۲۶} و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه‌ی روشنی چشم ما قرار بده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان.

«قره» از واژه‌ی قرار است و منظور از «قره اعین»، آرامش دیدگان است. چشم انسان در چیزی که خوشایند اوست، آرام می گیرد. در این آیه، عباد الرحمن از خداوند درخواست می کنند که همسران و فرزندان‌شان را مایه‌ی آرامش چشم آن‌ها قرار دهد و از آن جا که چشم و دل مومن جز به رضای حق آرام نمی گیرد، نتیجه‌ی آیه این است که: پروردگارا، نسل و اهل خانگی ما را در مسیر خود و مورد رضای خود قرار ده. خلاصه آن که مومنین - عباد الرحمن - علاوه بر انجام مسئولیت خود در قبال تامین حقوق معنوی خانواده، برای کمال معنوی آنان و رسیدن به

رضای حق نیز دعا می کنند.^{۲۷} شاید انگیزه برای این خیرخواهی و دعا، این آیه باشد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ»^{۲۸} کسانی که ایمان آوردند و فرزندان‌شان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان‌شان را در بهشت به آنان ملحق می کنیم؛ و از پاداش عمل‌شان چیزی نمی کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است.

در تفسیر قرطبی، ذیل همین آیه‌ی فوق از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «خداوند ذریه‌ی مومن را در بهشت همدرجه‌ی او قرار می دهد، هر چند آن ذریه از حیث عمل و پاداش از او نازل تر باشند، برای آن که به وجود ایشان و پیوستگی ایشان، چشم روشن شود.»^{۲۹} در قرآن کریم از خیرخواهی، نصیحت و دعای والدین برای فرزندان، شواهد دیگری نیز وجود دارد؛ نظیر نصایح لقمان به فرزندش که در طی پنج نصیحت عمده، وی را به توحید و دوری از شرک، حسن خلق، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و شکیبایی و میانه‌روی توصیه می کند و از تکبر، خودپسندی، فخر و مباهات به دیگران منع می کند. همچنین درخواست حضرت نوح برای پسرش که خداوند او را به خویش ملحق گرداند: «وَأَدِّى نُوْحٌ رَبِّهٖ فَقَالَ رَبِّ اِنَّ ابْنِی مِنْ اَهْلِی وَ اِنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ وَ اَنْتَ اَحْكَمُ الْحَاكِمِیْنَ»^{۳۰} نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده‌ی تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه‌ی حکم کنندگان برتری.» اما از آن جا که پسر نوح غیر صالح بود و از اهل او حساب نمی شد، پاسخ شنید: «قَالَ يَا نُوْحُ اِنَّهٗ لَیْسَ مِنْ اَهْلِکَ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرِ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلَنِی مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ اِنِّی اَعْطَیْکَ اَنْ تَکُوْنَ مِنَ الْجَاهِلِیْنَ»^{۳۱} ای نوح! او از اهل تو نیست؛ او عمل ناصالحی است [فرد ناشایسته‌ای است] پس آن چه را آنگاه نیستی از من مخواه.

پدر مورد تأیید قرآن که به عنوان الگوی والدین معرفی می شود، حضرت ذکریا (ع) است که فرزندی موحّد و حکیم چون یحیی دارد و قرآن او را به عنوان فرزندی نیکوکار نسبت به والدین و پرهیزگار و دور از ستم‌گری و عصیان می ستاید و به او درود می فرستد: «و برأ بوالدیه و لم یکن جبار عصیانا و سلام علیه یوم ولد و ...»^{۳۲}؛ او نسبت

اولین عامل خوش بختی در خانواده، دقت در انتخاب همسر است؛ زیرا ازدواج یک امر بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است که کام‌یابی یا شکست در آن، در زندگی آینده تأثیر به‌سزایی دارد. همسر خوب و موافق، زندگی را قرین آرامش و آسایش می کند و زمینه را برای پرورش استعدادهای درونی و سعادت و خوش بختی فراهم می سازد.

امام رضا (ع) می فرماید: «به بنده‌ی خدا فایده‌ای بهتر از همسر خوب نمی رسد که وقتی او را می بیند خشنودت سازد و در غیاب او از نفس خودش و مال شوهرش حفاظت کند».

پدر مورد تأیید قرآن که به عنوان الگوی والدین معرفی می شود، حضرت ذکریا (ع) است که فرزندی موحّد و حکیم چون یحیی دارد و قرآن او را به عنوان فرزندی نیکوکار نسبت به والدین و پرهیزگار و دور از ستم‌گری و عصیان می ستاید و به او درود می فرستد: «و برأ بوالدیه و لم یکن جبار عصیانا و سلام علیه یوم ولد و ...»

- سامی و محمود ریاض، ص ۲۱۷، رز، تهران، سال ۱۳۵۶.
 ۲۴. نحل، آیه‌ی ۹۷.
 ۲۵. مدثر، آیه‌ی ۳۸.
 ۲۶. فرقان، آیه‌ی ۷۴.
 ۲۷. حسینی، اکرم، تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی، نشریه‌ی کتاب زنان، ش ۲۶؛ ص ۶۸، سال ۱۳۸۳.
 ۲۸. طور، آیه‌ی ۲۱.
 ۲۹. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، ج ۱۷، ص ۴۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، سال ۱۴۲۰.
 ۳۰. هود، آیه‌ی ۴۵.
 ۳۱. همان، آیه‌ی ۴۶.
 ۳۲. مریم، آیه‌ی ۱۴-۱۵.
 ۳۳. همان، آیه‌ی ۳۱-۳۲.

منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت الله مکارم شیرازی.
۲. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، ص ۱۰۲، تهران: موسسه‌ی انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۷۸.
۳. بایار، ویرجینیا، چگونه انسان بهتر باشیم، ترجمه‌ی ناهید فخرایی، ص ۱۹۰، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: بی تا.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۷، تهران: المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۵. حسینی، اکرم، تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی، نشر کتاب زنان، ش ۲۶، ص ۶۸، سال ۱۳۸۳.
۶. ر. ک. زمانی، مصطفی، عشق و خودکشی، به نقل از زمزم معارف، ش ۱۶، ص ۳۸، سال ۱۳۸۷.
۷. صداقت، محمدعارف، زمزم معارف، ش ۱۶، ص ۳۸، قم: سال ۱۳۸۷.
۸. الطبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳، تهران: سال ۱۳۷۶.
۹. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، ج ۱۷، ص ۴۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، ج ۱، ص ۳۰، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۱۱. فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳، بیروت: دارالاضواء، سال ۱۴۰۵.
۱۲. لپ، انیاس، روان‌شناسی عشق ورزیدن، ترجمه‌ی کاظم سامی و محمود ریاضی، ص ۳۱۷، رز، تهران، ۱۳۵۶.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۵، بیروت: موسسه‌ی الوفاء، ۱۴۰۹.
۱۴. مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، ص ۲۶۹، اقبال، سال ۱۳۷۴.
۱۵. نوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۳، قم: موسسه‌ی آل‌البیت، سال ۱۴۰۷.

- انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۷۸.
 ۱۲. نوری الطبرسی، میرزا حسن، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۳، قم: موسسه‌ی آل‌البیت، ۱۴۰۷.
 ۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، ج ۱، ص ۳۰، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۷.
 ۱۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱.
 ۱۵. الطبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳، تهران: سال ۱۳۷۶.
 ۱۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱-۲.
 ۱۷. نور، آیه‌ی ۳.
 ۱۸. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳.
 ۱۹. همان، ص ۵۱.
 ۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۵، بیروت: موسسه‌ی الوفاء، ۱۴۰۹.
 ۲۱. مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، ص ۲۶۹، اقبال، سال ۱۳۷۴.
 ۲۲. الکسنو، ریتال و ریچاد، زمینه‌ی روان‌شناسی، ترجمه‌ی محمد تقی برهنی، ج ۱، ص ۱۸۰، بهروز، تهران، سال ۱۳۶۷.
 ۲۳. لپ، انیاس، روان‌شناسی عشق ورزیدن، ترجمه‌ی کاظم

به پدر و مادرش نیکوکار بود و جبار (و متکبر) و عصیان‌گر نبود. سلام بر او، آن روز که تولد یافت و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود! و مریم مادر نمونه‌ای که فرزندی چون عیسی به دنیا می‌آورد و خداوند فرزندش را به نیکی به مادر توصیه می‌کند. «او اوصانی بالصلوه و الزکاه مادمت حیا و برأبوالدتی و لم يجعلنی جباراً شقیماً»^۳

جمع بندی و نتیجه گیری

باید برای سعادت و خوشبختی در خانواده عوامل منطقی و درستی در دست داشته باشیم که بهترین عوامل، در آیات قرآن کریم و روایات معصومان (ع) بیان شده است. از آن جمله می‌توان به: ۱. دقت در انتخاب همسر ۲. ایمان و دین‌داری ۳. عقل و هوش ۴. تفاهم اخلاقی ۵. عفت و پاک‌دامنی ۶. اهداف مشترک و ۷. عمل صالح اشاره کرد. این عوامل سبب سعادت و خوشبختی انسان در دنیا و آخرت می‌شود. باید به مرد و زن جوانی که می‌خواهند با هم ازدواج کنند توصیه شود در انتخاب همسر به این عوامل دقت کامل داشته باشند که چه کس را در دین و اسرار خود آگاه می‌سازند. مسلماً یک همسر با ایمان، عاقل، بااخلاق و پاک‌دامن نمی‌تواند بایک همسر بی‌ایمان، بی‌عقل، بداخلاق و خیانت‌کار و بی‌عفت ازدواج کند و عمرش را با بدبختی بگذراند. ■

پی‌نوشت:

۱. ر. ک. زمانی، مصطفی، عشق و خودکشی، پیام اسلام، قم: به نقل از زمزم معارف، ش ۱۶، ص ۳۸، سال ۱۳۸۷.
۲. بایار، ویرجینیا، چگونه انسان بهتر باشیم، ترجمه‌ی ناهید فخرایی، ص ۱۹۰، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: بی تا.
۳. ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه‌ی مهدی قانثی، ص ۱۰۶، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: بی تا.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷، تهران: المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۵. همان، ص ۱۲.
۶. همان، ص ۲۲.
۷. بقره، آیه‌ی ۲۲۱.
۸. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵.
۱۰. همان، ص ۳۲۷.
۱۱. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، ص ۱۰۲، تهران: موسسه‌ی

